

موقعیت جغرافیایی و فرآیند جدایی مرو از ایران

دکتر عبدالله متولی*

چکیده

شهر تاریخی مرو یکی از چهار رکن اصلی خراسان بزرگ و بخشی از قلمرو ایران پیش از اسلام محسوب می‌شد. این شهر در دوره‌های مختلف پس از اسلام فراز و فرود زیادی را به خود دید. در نیمه اول دوره حکومت قاجاریه هنوز در قلمرو جغرافیایی ایران قرار داشت اما این پیوستگی به دلیل تاخت و تاز ترکمانان تکه به تکه شهرهای خراسان و عملکرد نامساعد حکام خراسان بعضاً دچار تزلزل می‌شد. در اواخر قرن سیزدهم هجری و نیمه دوم حکومت ناصر الدین شاه قاجار پیشروی روس‌ها در خانات ماوراءالنهر بر وخامت اوضاع این شهر افزود. نا توانی دربار قاجار در حراست مرو، عملکرد نامناسب ترکمانان ساکن در این منطقه و تمرکز بخشی از رقابت‌های روس و انگلیس در آنجا سرانجام باعث پایان حاکمیت ایران و سقوط آن به دست روس‌ها شد. مقاله حاضر در پی دست یافتن به علل و روند سقوط این شهر تاریخی به دست روس می‌باشد.

کلید واژه‌ها: خراسان، مرو، ترکمانان، روس، انگلیس، قاجار.

* استادیار و عضو هیئت علمی گروه تاریخ دانشگاه اراک.

واقع نندن مرو در نقطه برخورد بین ازبک ها و صفویه باعث شد تا این منطقه در سیاست‌های مرزی صفویه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار شود. تلاش سلاطین صفویه برای متوقف ساختن ازبک‌ها در آن سوی جیحون باعث شد تا مرو به یک نقطه کلیدی و پایگاه استقرار نیروهای نظامی صفویه مبدل شود. منازعات مکرر ایران با عثمانی در مناطق غربی و لزوم به کارگیری نیروهای نظامی گسترده در این مناطق، امکان استقرار دائمی بخشی از نظامیان در مناطق شمال شرقی از جمله مرو را غیر ممکن می‌ساخت. به همین دلیل شاه عباس سیاست جا به جایی اقوام را جایگزین استقرار دائمی نظامیان در مرو نمود.

بخشی از ایل قاجار براساس این سیاست در این شهر استقرار یافتند. پس از سقوط صفویه در خلاء قدرت مرکزی ایران که در دوران پس از سقوط صفویه تا برآمدن قاجاریه در این منطقه پدید آمد، مهاجمان ازبک از منطقه خوارزم و بخارا برای گسترش سلطه خود به شدت مرو را مورد یورش قرار دادند. پیامد این تهاجمات، دگرگونی ساختار جمعیتی شهر را به دنبال داشت و ناتوانی سلاطین قاجار در حراست از آن باعث شد زمینه لازم برای گسست سیاسی شهر از پیکره ایران فراهم شود.

پیوندهای سیاسی و اجتماعی ساکنان مرو با حکومت و جامعه عصر قاجار و همچنین مقاومت آنها در برابر غلبه روس‌ها بیانگر این نکته است که تا نیمه دوم حکومت قاجار ایالت مرو از لحاظ جغرافیایی و تاریخی بخشی از قلمرو ایران محسوب می‌شد و تنها در پی تحولات متأثر از سیاست‌های قاجار و تهاجمات روس‌ها جدایی آن از ایران رقم خورده است. از این رو این نوشتار بر آن است تا با بررسی مختصات جغرافیایی و پیشینه تاریخی مرو به پیوندهای سیاسی و اجتماعی

۱-۱-۱ - لکرد شاهان و حکام قاجار و در نهایت تحلیل

لیس نسبت به فرآیند جدایی مرو از ایران بپردازد.

موقعیت جغرافیایی و پیشینه تاریخی مرو تا برآمدن قاجار

شهر تاریخی مرو یکی از چهار رکن اصلی خراسان بزرگ که براساس گفته ابن حوقل «بنایش باستانی و کهن‌تر آن را تهمورث و خودش را ذوالقرنین ساخته است»^۱ واحه مرو از همه طرف به وسیله بیابان احاطه شده است. آبادانی این شهر بیشتر به رود مرغاب باز می‌گردد. این رود از کوه‌های افغانستان سرچشمه گرفته و بعد از تغییر مسیر به سوی شمال غربی به واحه مرو وارد شده و پس از آبیاری اراضی زراعتی مرو به داخل بیابان قره قوم فرو می‌رفت. برای تمیز مرو از "مرو رود" آن را "مرو شاهجان" نامیده‌اند و در دنیای قدیم از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده است. به نوشته حدود العالم «مرو شهری بزرگ است و اندر قدیم نشست میر خراسان بوده است»^۲. ارتباط مرو با اطراف از طریق چهار مسیر امکان پذیر بود که در مرو با هم تلاقی می‌کردند؛ راه سرخس، خوارزم، بخارا و مرو رود، از طرف جنوب شرقی شهر راهی به بلخ می‌رفت، راه سرخس از سمت جنوب غربی مرو بود، راه خوارزم از وسط ریگزار می‌گذشت، ارتباط با بخارا و سمرقند از راه شمال شرقی بود.

مرو در دوره اسلامی موقعیت خود را به عنوان یک شهر مهم و حیاتی در پیوند بین خراسان و ماوراءالنهر حفظ نمود و محل تمرکز قیام عباسیان علیه امویان بود.^۳ در دوره سلجوقیان مقر حکومتی سلطان سنجر در این شهر قرار داشت^۴، تا زمان تهاجم مغول به ایران، مرو یکی از آبادترین شهرهای خراسان و ایران محسوب می‌شد اما مانند سایر شهرهای شمال شرقی ایران مرو نیز در زمره اولین شهرهایی بود که در معرض یورش مغولان قرار گرفت و در نتیجه این شورش جز ۴۰ تن از پیشه‌وران باقی مردم قتل عام شدند و شهر حالت ویرانه‌ای یافت.^۵ در دوره شاهرخ تیموری شهر اندکی آبادانی خود را بازیافت و بازارها و مساجد و مدارس آن رونق دوباره‌ای گرفت.^۶ با شکل‌گیری قدرت سیاسی ازبکان در ماوراءالنهر شهر مرو به میدان منازعه صفویان و ازبکان تبدیل شد. جنگ تاریخی شاه اسماعیل صفوی و شیبک خان (۹۱۶ ه. ق) که منجر به کشته شدن شیبک خان شد در مرو انجام گرفت.^۷ هرچند در برخی

مواقع به دلیل ضعف شاهان صفوی، ازبکان در مرو رخنه کرده و در آنجا قدرت را به دست می‌گرفتند اما در بیشتر ایام صفوی مرو جزو امارت‌های بیگ‌بیگی نشین ایران بود.^۸ از زمان شاه عباس بخشی از ایل قاجار به مرو انتقال یافته و حاکمیت شهر در اختیار آنها قرار گرفت. این حاکمیت در دوره های پس از سقوط صفویه ادامه داشت. هنگام تهاجم افغانها به ایران حاکم مرو محمد علی بیگ قاجار بود.^۹ نادر شاه افشار پس از تثبیت قدرت خود حکومت مرو را از حاکم قاجاری گرفت و به کلب علی خان پسر باباعلی خان افشار سپرد. اما در بازگشت از سفر جنگی ماوراءالنهر هنگام عبور از مرو حکومت آنجا را به شاهقلی بیگ پسر محمدعلی قاجار واگذار کرد.^{۱۰}

پیوند مرو و ساکنان آن با دولت قاجار

در آستانه استقرار قدرت قاجاریه در ایران شاخه ای از ازبک‌ها موسوم به منغیت (۱۱۹۹-۱۳۳۹ق) در بخارا به قدرت رسیدند. در خوارزم نیز قدرت در اختیار گروه دیگری از ازبک‌ها موسوم به قنقرات‌ها بود. (۱۱۸۴-۱۳۳۸ق) پس از آن شهرهای خراسان به صورت دائمی در معرض تهاجمات مکرر این در خان نشین قرار گرفت؛ که شهر مرو به دلیل موقعیت جغرافیایی با یورش‌های بیشتری مواجه شد. در این میان خان بخارا امیر معصوم خان موسوم به بیگ جان توانست با قتل پیراعلی خان قاجار حاکم مرو بر این شهر مسلط شود. او برای آن که بتواند به صورت دائمی شهر را در اختیار داشته باشد بخشی از جمعیت آن را به بخارا منتقل کرد.^{۱۱}

این اقدام که در مراحل بعدی نیز تکرار شد سبب گردید تا ترکیب جمعیتی شهر به ضرر ایران دگرگون شود با این حال قاجارها در موقعیت‌های مختلف و با شیوه‌های سیاسی و نظامی برای اعاده حاکمیت ایران بر این منطقه کوشیدند هر چند که در نهایت به موفقیت چندانی دست نیافتند.

آقا محمد خان قاجار پس از لشکرکشی به خراسان و تسلط بر مشهد بلافاصله به

کرد.^{۱۲} مشکلاتی که آقامحمد خان در منطقه نققاز با آن مواجه شد اجازه نداد تا برنامه هایش را در مرزهای شمال شرقی اجرایی نماید به همین دلیل شهر مرو مجدداً به تصرف خان بخارا در آمد.

در دوره سلطنت فتحعلی شاه قاجار حکامی که از طرف دربار به خراسان عزیمت می کردند اراده جدی ای برای اعمال حاکمیت ایران بر شهر مرو از خود بروز ندادند. فتحعلی شاه در منطقه خراسان با مشکلات فزاینده ای روبه رو بود. انتصاب شاهزادگان متعدد برای سامان بخشیدن به اوضاع این منطقه مؤثر نبود. جا به جایی های متعدد این حکام نشانه ی نارضایتی شاه از وضعیت خراسان بود.^{۱۳} به تبع این شرایط ، حاکمیت ایران بر شهر مرو در این دوره با مشکلات بیشتری روبه رو شد.

در دوره محمد شاه قاجار هر چند همانند قبل فعالیت خاصی برای حضور رسمی اقتدار ایران در مرو به چشم نمی خورد اما دربار ایران مالکیت این شهر را متعلق به خود می دانست. در نامه ای که محمد شاه قاجار از طریق عباس قلی خان برای امیر نصر الله حاکم بخارا فرستاد و حقوق ایران در خصوص مرو را یادآوری کرده از حاکم بخارا خواست تا عوامل خود را از شهر خارج کند. با وجود آنکه براساس نوشته یکی از منابع ساکنان مرو در این دوره متمایل به تابعیت از ایران بودند و از رفتار حکام بخارا و خوارزم خرسند نبودند^{۱۴} اما نامه نگاری محمد شاه نیز نتوانست حاکمیت شهر مرو را به ایران باز گرداند.

در دروه ناصرالدین شاه روزنامه وقایع اتفاقیه نوشت « ملک خوارزم که همه جا در این طرف آب جیحون واقع شده به حکم بدیهه کتب جغرافیا و تواریخ قدیم بلا حرف داخل خاک دولت علیه ایران است».^{۱۵} در همین زمان یورشهای مکرر محمد امین خان خوارزمی به مرو و سایر شهر های خراسان مشکل جدی برای ساکنان این مناطق ایجاد کرد. مروی ها چون به تنهایی قادر به دفاع از خود نبودند نمایندگان به مشهد فرستادند و تقاضای کمک نمودند.^{۱۶} حسام السلطنه حاکم خراسان عباسقلی خان میرپنجه را با تعدادی نیروی نظامی به یاری ساکنان مرو فرستاد.^{۱۷} مدتی پس از آن با کشته شدن

محمدامین خان حاکم خوارزم و چرخانده شدن سر او در تهران به نظر می‌رسید دربار ایران حاکمیت خود را بر مرو و خوارزم مسجل نماید^{۱۸} اما در سال ۱۲۷۵ قمری حمزه میرزا حشمت الدوله حاکم خراسان سعی کرد با یک اردوکشی بزرگ به طور قطع به خودسری ترکمانان ساکن مرو خاتمه داده، قدرت ایران را در این منطقه تثبیت نماید اما شکست او ضربه سختی بر حیثیت سیاسی ایران وارد ساخت.^{۱۹} به نظر می‌رسد این آخرین مرحله از خود نمایی نظامی ایران در این منطقه بوده باشد، هر چند زمانی که ساکنان مرو خطر حضور روسها را احساس کردند سعی نمودند حمایت دربار قاجار را به دست آورند اما ناصر الدین شاه پاسخ مثبتی به آنها نداد.

چگونگی غلبه روس‌ها بر مرو

سه روز پس از سقوط گوگ تپه در ۱۸۸۱ م گروهی از نیروهای نظامی روسیه به فرماندهی سرهنگ ای. ان نوروپاتکین اقدام به تصرف عشق آباد کردند.^{۲۰} آنها از عشق آباد جلوتر نرفتند. این توقف غیر منظره برای ساکنان مرو تعجب انگیز شد و بر سر درگمی قبایل ترکمان داخل مرو افزود. آنها پس از صدماتی که از نبرد گوگ تپه متحمل شده بودند اکنون از چندگانگی مراکز تصمیم‌گیری دچار سردگمی شده، قادر به تصمیم‌گیری جدی در مقابل روس‌ها نبودند. در این زمان ساکنان مرو به سه طیف تقسیم شده بودند. گروهی از ترکمانان به رهبری قاجار خان می‌خواستند تا آخرین نفر با روس‌ها بجنگند. گروه دوم به رهبری چند نفر از سران توختامیش در نظر داشتند تحت اقتدار خپوه فرار گیرند و گروه سوم به رهبری چند نفر از سران او تا پیش چاره‌ای جز تسلیم به مقامات روس نمی‌دیدند.^{۲۱}

به نظر می‌رسد اولین حرکت توسط هواداران به روس انجام گرفت و تعدادی از ریش سفیدان آنها به منظور ملاقات با فرماندهی روس در عشق آباد عازم این منطقه شدند. روس‌ها از این پیشامد به شدت استقبال کرده و به ترکمانان یادآور شدند که روس‌ها می‌باشد.^{۲۲} با این حال تعداد دیگری از

نمایندگان حقیقی مرو نیستند بلکه افراد سالخورده ای هستند که توسط عمال روس به این ملاقات ترغیب شده اند و اکثریت ترکمنان مرو هنوز نسبت به روس ها احساسات خصمانه ای دارند.^{۲۳} با وجود این روس ها در برخورد با این گروه از ترکمن ها نهایت نکته سنجی و آداب دانی را از خود نشان دادند. این اقدامات به منظور ایجاد شکاف بیشتر در بین گروه های ترکمن ساکن مرو صورت گرفت و تأثیر خود را برجای گذاشت. هواداران روس در مرو رو به تزايد گذاشت و جدال بین مخالفان و موافقان به شدت افزایش یافت. روس ها به منظور پیشبرد سریعتر مقاصد خود تصمیم گرفتند در عین اینکه فعالیت های تبلیغی خود را افزایش می دهند اطلاعات دقیق تری را از فضای حاکم در مرو به دست آورند به همین منظور مصمم شدند هیأتی غیرنظامی را به میان ترکمن ها اعزام دارند. این هیأت در نظر داشت ضمن برآورد استحکامات مرو در درون ساکنان شهر رخنه کرده و با ایجاد رعب و وحشت در میان آنها زمینه تسلیمشان را مهیا کنند.

در فوریه ۱۸۸۲ م مقصود علیخانوف برای اجرای نظرات روس در رأس هیأتی در پوشش کاروان تجاری اعزام مرو شد. سوکولف یکی از افسران کارگشته روس نیز او را همراهی می کرد. در سندی مربوط به وزارت خارجه از همراهی مختوم قلی خان یکی از سران ترکمنان با علیخانوف نیز یاد شده است.^{۲۴} کاروان فوق در طول مسیر با گرفتاری های متعددی روبرو شد و حتی ترکمنان تکه تصمیم به مصادره کالاهای آنها گرفتند. اما علیخانوف خود را نماینده یکی از تجار معروف روس معرفی کرد که فقط به قصد تجارت بین مرو روسیه به این سفر عزیمت کرده است. رؤسای تکه که تصور می کردند علیخانوف مأمور سیاسی روس است در صدد توقیف او بودند و اما علیخانوف به آنها یادآور شد که وی فقط به قصد تجارت صلح آمیز به مرو آمده است و تکه ها هم می توانند به منظور تجارت به عشق آباد عزیمت کنند. وی تهدید کرد اما چنانچه اجازه فعالیت به وی داده نشود به عشق آباد بازگشته و روس ها را از برخوردی که با او شده است مطلع خواهد ساخت.^{۲۵}

سرانجام بازرگانان مرو که نگران عملیات نظامی روسها علیه مرو بودند برای مدت محدودی به علیخانوف و همراهانش اجازه دادند که در مرو اقامت کنند. وی در مدت ده روزی که در مرو اقامت نمود از قسمت های مختلف شهر بازدید کرد و به صورت پنهانی از بزرگترین و مستحکم ترین قلعه مرو یعنی قوشید خان دیدن کرده و اطلاعات ارزشمندی درباره موقعیت دفاعی این مکان به دست آورد. علاوه بر این از مسیرهای عبور و مرور و موقعیت های مختلف نظامی شهر یادداشت هایی تهیه کرد.^{۲۶} علاوه بر این با گروههای هوادار روس به صورت مخفیانه ملاقات هایی را انجام داد و مقادیر زیادی روبل بین آنها توزیع کرد.^{۲۷} علیخانوف در بازگشت به عشق آباد گزارش کاملی از مرو به کماروف حاکم نظامی عشق آباد ارائه کرد. وی ضمن توصیف آشفتگی قدرت در مرو به فرماندهی روس یاد آور شد که استحکامات نظامی مرو بسیار عظیم تر از گوگ تپه است به همین لحاظ اقدام نظامی علیه ترکمانهای مرو هزینه سنگینی را بر روس ها تحمیل خواهد کرد. بهترین راه تلاش برای وادار کردن ساکنان مرو به تسلیم است و برای این کار تهدید آنها و یادآوری صدماتی که به ساکنان گوگ تپه وارد شده بهترین شیوه است. این پیشنهاد با موافقت فرماندهی نظامی روس مواجه شد. در همان زمان که علیخانوف از مرو بازگشته بود، تعدادی از رؤسای مرو که مصمم شده بودند برای مقابله با روس ها از خيوه کمک گرفته و خود را تحت حمایت محمد رحيم خاز قرار دهند با نوميدي روبرو شدند زیرا حاکمی که از طرف خيوه اعزام شده بود بیشتر ترکمنان را به تسلیم در برابر روس ها تشویق می کرد. وقتی ترکمنان مرو از این حقیقت آگاهی یافتند اعتماد خود را به خيوه از دست دادند و بر وخامت اوضاع آنها افزود، شد.^{۲۸} در حالی که رهبر اصلی آنها یعنی مختوم قلی خان به روس ها پیوسته بود، خيوه نیز نتوانست آنها را یاری کند. در این موقعیت، فعالیت گروه طرفدار روس در شهر به شدت افزایش یافت. مختوم قلی خان چندین نوبت بین عشق آباد و مرو رفت و آمد کرد و تعدادی دیگری از سران شهر را به روس ها متمایل ساخت. در آوریل ۱۸۸۳ م روس ها برای پیشبرد مقاصد خود تصمیم گرفتند به منظور تاج گذاری الکساندر سوم

از تعدادی از سران ترکمان برای حضور در مراسم دعوت کنند. یکی از فرماندهان نظامی روس دعوت نامه سران ترکمن را به مرو برد. مختوم قلی خان، باباخان و سیدنظر خان سه تن از سران ترکمن دعوت نامه را پذیرفتند و در پترزبورگ از آنها پذیرایی خوبی صورت گرفت و با هدایای قابل توجه به مرو بازگشتند و به تعقیب سیاست های روس پرداختند. در این زمان تقریباً موقعیت گروه طرفدار روس در مرو برتری یافت. پس از شکل گرفتن چنین موقعیتی علیخانوف مأموریت یافت تا با حضور مجدد در مرو زمینه تسلیم داوطلبانه ترکمنان را فراهم کند. روس ها برای ترساندن بیشتر ساکنان مرو قبل از مأموریت علیخانوف منطقه تجن را نیز اشغال کردند. علیخانوف پس از رسیدن به مرو از طریق محمد یوسف خان فرزند نوربردی خان به سران ترکمن خبر داد که فرصت کمی برای تسلیم شدن دارند در غیر این صورت بایستی قدرت اسلحه روس ها را پذیرا می شدند همان گونه که خيوه و آخال در گذشته ضرب شصت روس ها را چشیدند.^{۲۹}

ترکمانان برای تصمیم گیری درباره پیشنهاد علیخانوف جلسه مشورتی تشکیل دادند اما تشتت و پراکندگی دیدگاه در بین اعضای جلسه مانع از یک تصمیم گیری جدی شد. علیخانوف از طریق "گل جمال" بیوه نوربردی خان توانست جلسه ای را با سران ترکمان تشکیل دهد. او در جلسه ضمن معرفی خود شمه ای از سابقه سلوک و رفتار مساعد روس ها را در مناطق مسلمان نشین برای ترکمنها بیان داشت و در پایان با زبان تهدید گفت روسها از خصومت مداوم ترکمنهای مرو به این نتیجه رسیده اند که ترکمنها نمی توانند با همسایگانشان در صلح و صفا باشند بنابراین ساکنان مرو یا باید به صورت صلح آمیز تسلیم روس ها شوند و یا تا دو هفته دیگر منتظر سپاهیان روس باشند.

پس از خروج علیخانوف از جلسه سران ترکمن آنها بعد از مذاکرات کوتاهی چاره ای جز تسلیم نیافتند و نظر اکثر اعضا را به علیخانوف انتقال دادند.^{۳۰} پس از آن که ترکمانها تسلیم خود را به روس ها ابلاغ کردند یک هیأت نمایندگی مرکب از روسای

قبایل به عشق آباد اعزام داشتند. در ۳۱ ژانویه ۱۸۸۴ در مقر فرماندهی کوماروف با برگزاری مراسمی ترکمنان به امپراتوری روس سوگند وفاداری خوردند و با این سوگند الحاق مرو به قلمرو تزار رسمیت یافت. نقش علیخانوف در وادار کردن ترکمنان به تسلیم برای روس ها بسیار حایز اهمیت بود. شاید گفتار هدایت درست باشد که نوشت «در سال ۱۳۰۳ قمری علیخانوف داغستانی از صاحب منصبان مسلمان روس مرو را مسخر کرد و جزئی نفوذی که ایران در آن صفحات دشت به کلی از دست رفت».^{۳۱} کماروف حضور سران ترکمنان و سوگند خوردن آنها را به تزار ابلاغ نمود و تزار با خرسندی به کماروف تبریک گفت.^{۳۲} پس از آن در مارس ۱۸۸۴ نیروهای روس به طرف مرو حرکت کردند و پس از زد و خورد محدود با تعدادی از مقاومت کنندگان به اشغال شهر مبادرت کرده و رسماً آن را ضمیمه ایالت ماوراء خزر نمودند.^{۳۳} مقاومت تعدادی از عناصر و عوامل ضد روس در داخل شهر مانع جدی برای استقرار نیروهای نظامی روس نبود.^{۳۴}

بررسی و تحلیل عوامل فروپاشی مقاومت مردم مرو

شهر مرو در آستانه یورش روس ها به هیچ وجه شرایط لازم برای ایجاد یک دفاع منطقی در مقابل مهاجمان را نداشت. روس ها بخش های وسیعی از آسیای مرکزی را اشغال کردند و در تلاش بودند خود را به قلمرو افغانستان نزدیک نمایند. برای رسیدن به افغانستان شهر مرو از موقعیت سیاسی و نظامی مطلوبی برخوردار بود. زمانی که روس ها توجه خود را برای سلطه برشهر مرو متمرکز نمودند مجموعه عوامل و شرایطی برفضای شهر حاکم بود که مهاجمین را در رسیدن به اهدافشان یاری داده و در عین حال زمینه مست شدن اندیشه های دفاعی را در مرو فراهم ساخته بود. مهمترین عوامل از هم گسیختگی انتظام سیاسی - دفاعی مرو را در دو عامل زیر می توان بررسی کرد.

زد می‌توان برخی موارد مهم را مورد توجه قرار داد :

۱- فقدان رهبری کار آمد : مقتدر جهت هدایت و کنترل ترکمانان در موقعیت حساسی که برای آنها پیش آمده بود. پیش از آنکه روسها خود را به منطقه مرو نزدیک نمایند ترکمانان رهبران توانمند خود را از دست داده بودند. نور بردی خان و قوشید خان رهبران پیشین ترکمانان مرو پیش از آن در گذشته بودند و ترکمانان برای هدایت و رهبری خودشان مختومقلی فرزند قوشید خان را برگزیدند.^{۳۵} او هرچند در ابتدا تلاش نمود که کنترل تمام ساکنان شهر را در دست گیرد اما اقبال با وی همراه نشد و به علت ناتوانی و نداشتن شاخصه های یک رهبر بزرگ نتوانست به محل امید و وفاق ترکمانان تبدیل شود و اقتدار نیم بندی که در ابتدا برایش مهیا شده بود به دلیل تبلیغات شدیدی که عناصر روس و وابستگان آنها در میان ترکمانان مرو به راه انداخته بودند از دست رفت. وی بخت خود را در ایجاد پیوند و کمک خواهی از انگلیس و ایران آزمود اما در این راه توفیقی نصیبش نشد. سرانجام اعنماد به نفس خود را از دست داد و در حالی که روس ها جنگ تبلیغاتی خود را هر روز تشدید می کردند مختومقلی تلاش های خود را برای سامان بخشی یک مقاومت جدی در برابر مهاجمان متوقف کرده و با تعدادی از هوادارانش به عشق آباد عزیمت کرده خود را به روس ها تسلیم نمود.^{۳۶}

پس از آن وی به عنوان یک عامل، توان و نیروی خود را در اختیار روس ها قرار داد. به همین لحاظ مهاجمان با توقعیت مطلوبی که برایشان مهیا شده بود استقبال ارزنده ای از مختومقلی به عمل آورده و جوایز و هدایایی به او و همراهانش تقدیم کردند. پس از آن تا زمان ورود روس ها به مرو در چندین نوبت مختومقلی به نمایندگی از طرف آنها به نزد همشهریان خود بازگشت تا با توجیه ترکمانان زمینه را برای پذیرش قدرت روسها مهیا سازد. از طرف دیگر تسلیم شدن مختومقلی که به نوعی هنوز در میان ترکمانان به عنوان یک رهبر به او نظر داشتند در شکستن روحیه مقاومت آنها به شدت موثر بود ؛ به نوعی به سست شدن تفکرات دفاعی آنها انجامید و روس ها را در رسیدن به هدفشان که همانا تصرف مرو بدون درگیری های خونین

بود نزدیک ساخت.

۲- از دیگر مسائلی که در مسست شدن پایه های دفاعی ساکنان مرو موثر بود از دست رفتن روحیه مقاومت ساکنان شهر و ترس و وحشت آنها از مهاجمین بود. اندام خشونت آمیز و قساوت بار روس ها در گوگ تپه که در قتل عام ساکنان این قلعه هیچ تردیدی به خود راه ندادند و تعداد زیادی از مردان، زنان و کودکان را بی رحمانه به قتل رساندند تأثیری عمیق بر روحیه و افکار ترکمانان برجای گذاشته بود و آنها می دانستند در صورتی که قصد مقاومت داشته باشند به طور یقین همان رفتار با ساکنان مرو انجام خواهد شد. عوامل روس و ترکمانانی که در خدمت مهاجمان در آمده بودند به صورت دائمی در میان ساکنان، سرنوشت ترکمانان گوگ تپه را به آنها یادآوری می کردند. بنابراین فضای وحشتناک و سنگینی بر ساکنان شهر سایه افکنده بود عدم حمایت از سوی ایران و انگلستان نیز بر یأس و نومیدی مردم افزود و آنها را برای ترک مقاومت آماده ساخت.

۳- ناکارآمدی ابزارهای دفاعی از دیگر عوامل مهم در ترک مقاومت ساکنان مرو بود. وجود جنگ افزارهای پیشرفته روس ها از جمله توپخانه عظیم آن ها بر وحشت و نگرانی ترکمانان می افزود. روس ها در بسیاری از نقاط صحرای ترکمن با اتکای بر همین توپخانه و سلاحهای انفرادی آتشین دفاع مستحکم ترکمانان را به هم ریخته بودند. از طرف دیگر ترکمانان مرو نه توپخانه قابل توجهی داشتند نه تجهیزات انفرادی که قابل مقایسه با مهاجمان باشد، تکیه بر سلاحهای ابتدایی و تفنگ های فرسوده و قدیمی عملاً امکان مقابله جلدی را از بین برده بود. هر چند به گونه ای مواضع دفاعی و دژهای اطراف مرو به عنوان یک نقطه قوت می توانست مورد استفاده ساکنان برای یک دفاع جانانه باشد. اما با شگردی که اسکولف فرمانده جنگ گوگ تپه به کار گرفت و با بهره گیری از مواد منفجره بخش وسیعی از دیوار مستحکم گوگ تپه را تخریب کرد. در نتیجه ساکنان مرو در برابر حمله روس ها هیچ مقاومتی نداشتند و در نهایت به هر صورت ناچار بودند تجهیزات نظامی و فرسودگی

این ابزارها در مقابل سلاح های پیشرفته روس باعث شد تا آنها چندان اتکایی بر وسایل دفاعی خود نداشته باشند.

ب: مسایل منطقه‌ای

بخش دیگری از علل و عواملی که ساکنان مرو را وادار به پذیرش سلطه روسها نمود به نوع پیوند ترکمانان با همسایگان منطقه ای ارتباط دارد. این روابط با مناطق زیر قابل تبیین و تحلیل است.

۱- ایجاد تنش با قاجارها و تبعیت از سیاست گسیختگی از ایران؛ قطعاً یکی از مسایل مربوط به ترکمانان، نوع ارتباط و سلوک آنها با سلاطین قاجار است. مرو به عنوان یکی از مناطق شمال شرقی ایران در دوره قاجار از اهمیت خاصی برخوردار بود. هرچند در این پیوستگی و تعلق تردیدی وجود نداشت، اما عملاً در دوره حکومت قاجار امکان تثبیت حاکمیت ایران فراهم نشد. در مجموع می‌توان مسایل مربوط به ترکمانان مرو ایران را تحت تأثیر چند عامل مهم بیان نمود.

الف: عملکرد حکام و مرزداران خراسان که در بیشتر مواقع نشان دهنده نوعی دورویی و نفاق در برخورد با ترکمانان بود. در مواقعی به منظور دریافت هزینه های هنگفت از مرکز، خطرات و مسایل مربوط به ترکمانان را به گونه ای اغراق آمیز جلوه می‌دادند و حکومت مرکزی را نسبت به حل مسأله آمیز این مسئله مأیوس می‌نمودند. در یک مورد میرزا حسین خان سپهسالار ضمن انتقاد از یورشهای مکرر تراکمه به مرزهای خراسان به شاه گزارش می‌دهد. صاحب منصبان خراسان در قبال آن همه مواجبی که از شاه گرفته اند هیچ اقدامی را برای متوقف ساختن یورش تراکمه انجام نداده اند در صورتی که این مواجب اگر مستقیماً به افراد زیر دست می‌رسید هرگز اجازه چنین تهاجماتی را نمی‌دادند.^{۳۷} فریر نیز از توافق برخی حکام مرزی ایران با ترکمانان مهاجم صحبت کرده و معتقد است بخشی از اموال غارت شده توسط ترکمانان بین حکام مرزی تقسیم شده است.^{۳۸} بنابراین برخی حکام انتصابی ایران در قبال مسئله ترکمانان نقش دوگانه ای ایفا نموده، خود عملاً محرک درگیری ها بوده و

بعضاً سکون و آرامش منطقه را در تضاد با منافعشان می دیده اند.

ب: فقدان یک سیاست مشخص و قابل اجرا توسط سلاطین قاجار در خصوص ترکمانان مرو و ارایه راهکارهای غیرمعقول و فاقدپشتوانه های اجرایی که عملاً ترکمانان را در تهاجماتشان جری تر و در برخی مواقع نسبت به حاکمیت سیاسی ایران دلسردتر می کرد. پس از شکست ایران در جنگ مرو در سال ۱۲۷۶ ق سیاست ایران در برابر تراکمه مرو شکل خصمانه تری یافت و ناصرالدین شاه در تلگراف ها و فرمان های خود به حکام خراسان بر تصرف مرو تأکید می ورزد اما این دستور فاند جنبه های اجرایی بود و عملاً کار قاطعی در این زمینه صورت نگرفت.^{۳۹}

ج: عملکرد ناخوشایند ترکمانان و تهاجمات مکررشان به درون خراسان باعث شده بود تا دربار ایران نگاه مثبتی به آنها نداشته و به عنوان گروه های مهاجم به آنها بنگرد. تقریباً در تمام دوره قاجار این یورش ها ادامه داشت و شهرهای متعدد خراسان به صورت دائمی در معرض تهدید و غارت آنها قرار می گرفت حتی زمانی که روسها خود را به صحرای ترکمان رسانده بودند این یورش ها همچنان تکرار می شد.^{۴۰} به همین دلیل در سالهای پایانی که منجر به سقوط مرو شد گروههایی از تراکمه ساکن مرو برای کسب حمایت ایران ابراز علاقه نمودند و در سال ۱۸۷۶ م تعدادی از بزرگان مرو به تهران عزیمت نمودند تا نظر حمایتی ایران را جلب کنند.^{۴۱} اما ظاهراً توافقی بین طرفین صورت نگرفت. در یک مورد نیز ناصرالدین شاه نماینده ای به سوی ترکمانان فرستاد و شرایطی برای ساکنان مرو مقرر نمود و آنها را به اطاعت از ایران فراخواند ولی آنها جواب مثبتی نداده و سفیر ایران دست خالی بازگشت.^{۴۲}

د: اعمال نظرهای انگلیس نیز در تصمیم گیریهای مربوط به مرو مؤثر بود و به گونه ای که نوع نگرش ایران به این منطقه را تحت تأثیر قرار می داد. انگلیسی ها بسیار متمایل بودند در این خصوص از کیسه ایران به جهت تأمین منافع خود سرمایه گذاری نمایند. ملاقات های مکرر تامسون نماینده انگلیس در ایران با ناصرالدین شاه و سپهسالار و تشویق آنها به تصرف قطعی مرو حاکی از اهمیت این منطقه برای آنها بود،

اما دربار ایران که به شدت نگران پیشروی روس‌ها به طرف خراسان بود در عین حال از اینکه اقدامات نظامی باعث تحریک بیشتر روس‌ها شود از هرگونه مقاومت خودداری می‌نمود. (بررسی مواضع انگلیس از موضوع مرو در قسمت بعدی با تفصیل بیشتری بررسی خواهد شد).

در هر صورت مجموع عواملی که برشمردیم مسایل ایران در پیوند با مرو را به گونه ای رقم زد که سبب شد ناصرالدین شاه در نهایت از دعاوی خود نسبت به مرو دست برداشته و از تمام آنچه بدین مسئله ارتباط داشت خود را کنار کشید و «با تعجب آمیخته با تأسف دیدند که قشون روس به سوی کرانه راست رود تجن و روستای سرخس کهنه پیشروی کرده و آماده ورود به مرو شدند.»^{۴۳} بدین ترتیب ساکنان مرو موفق نشدند دربار ایران را به حمایت از خود متقاعد نمایند. از سوی دیگر دربار قاجار نیز در موقعیتی نبود که بتواند به یک حمایت همه جانبه از ترکمانان پردازد.

۲- همسایگان دیگری که تراکمه امید داشتند از آنها در مقابل روس‌ها کمک بگیرند حاکمان خیوه و افغانستان بودند. گروه‌هایی از ترکمن‌ها برای مقابله با روس‌ها متوجه خیوه شدند غافل از این نکته که محمد رحیم خان حاکم وقت خیوه خود دست‌نشانده روس‌ها است. بنابراین عبدالرحمن بیگ^{۴۴} فرستاده او به مرو به جای تحکیم مواضع دفاعی ساکنان این شهر خود فضای روانی مساعدی را به منظور پذیرش قدرت روس‌ها فراهم کرد.^{۴۵} به غیر از خیوه تلاش‌های اندکی نیز برای جلب کمک حاکم افغانستان انجام گرفت از جمله مختوم‌قلی خان در همان ابتدا که حاکمیت مرو را بر عهده گرفت تصمیم داشت شخصاً به افغانستان عزیمت کند اما این سفر انجام نشد و نماینده ای را به افغانستان فرستاد.^{۴۶} نویسنده سراج التواریخ به ورود این سفیر اشاره کرده و می‌نویسد: «و هم در این هنگام عریضه مخدوم قلی خان رئیس مرو به سمع فیض مجمع والا رسید که ولایت مرو را به توجهات شاهانه ضمیمه مملکت نمایند و اعلیحضرت والا در جواب نگار فرمودند که علاقه مرو از خاک حالیه افغانستان دور

افتاده مردم آنجا را لازم است با دولت روس یا ایران به اقتضای وقت سلوک و رفتار نمایند»^{۴۷} به ابن ترتیب امیر عبدالرحمن که خود در پی تثبیت موقعیتش در افغانستان بود به هیچ وجه راضی نبود با روس ها وارد یک جدال نامشخص شود و یاری طلبیدن مروی ها از او به نتیجه ای نرسید.

بررسی و تحلیل مواضع سیاسی انگلیس در قبال سقوط مرو

پس از سقوط خیوه به دست روس ها در سال ۱۸۷۴ م انگلیسی ها دریافتند که موقعیت مرو به شدت در معرض خطر قرار گرفته است به همین دلیل در یادداشت‌هایی که توسط نمایندگان سیاسی بریتانیا برای روسها ارسال می شد این نگرانی بروز جدی داشت. تنها دلخوشی بریتانیا در این بود که به تازگی قرار دادی در خصوص قلمرو مرزی افغانستان بین کلارندون و گورچاکف وزرای خارجه دو کشور به امضا رسیده است. با وجود امضای این قرار داد هیچ تضمینی برای توقف پیشروی روس ها به طرف افغانستان وجود نداشت به همین دلیل اقدامات نظامی و تجسسی آنها در سواحل شرقی خزر در صحرای ترکمان آغاز شد. این فعالیت ها از چشمان تیز بین جاسوسان بریتانیا پنهان نمی ماند. و باعث ارسال یادداشت‌های مکرر مقامات سیاسی بریتانیا برای گورچاکف بود. گورچاکف در پاسخ به دغدغه های بریتانیا در سال ۱۸۷۵ م یادداشت طولانی را منتشر ساخت. در این مکتوب او نگرانیهای مقامات انگلیس را فاقد زمبنه و دلیل دانسته و اعلام کرد روسیه هیچ تصمیمی برای گسترش مرزهای خود ندارد.^{۴۸}

لرد دربی از صاحب منصبان انگلیس بلافاصله نوشته دیگری را در پاسخ به گورچاکف ارسال داشت او یاد آوری کرد هر پیشروی موفقیت آمیز مرزی روسیه به طرف افغانستان ممکن است پیچیدگیهایی را به وجود آورد، زیرا تمامیت ارضی افغانستان یک هدف عمده دولت بریتانیاست. وی در ادامه تأکید می کند که اشغال مرو ممکن است احساسات امیر افغانستان را تحریک نموده و درگیری دو قدرت در آسیا را به دنبال داشته باشد.^{۴۹}

گورچاکف در پاسخ به این یادداشت نوشت: از جانب امپراتور حکم شده است که

به هیچ وجه قشون به سرحد ترکمانهای تکه فرستاده نشود و مقصود این بود که به سمت مرو قشون نرود و حکم مزبور به شدتی مؤکد است که صاحب منصبان مأمور آن صفحات جرأت آن را نخواهند داشت که برای خود نمایی از مدلول آن تجاوز کنند.^{۵۰} روس‌ها در عین اطمینان‌هایی که به انگلیسی‌ها در خصوص عدم پیشروی به طرف مرو و صحرای ترکمان می‌دادند فعالیت‌های خود را در این مناطق تشدید کرده، با این همه به نوعی نگران عکس‌العمل بریتانیا هم بودند. در نوشته دیگری سفیر روسیه در لندن، شووالف از لرد دربی پرسید؛ آیا دولت انگلیس خیال دارد که رو به تصرفات روس پیش برود. او در پاسخ گفته بود که دولت انگلیس وقتی به این خیال خواهد افتاد که حرکات روس‌ها را متوجه تسخیر مرو ببیند، در پاسخ به این گفتار گورچاکف مجدداً اطمینان قطعی داده بود که امپراتور به هیچ وجه خیال ندارد که سرحدات روس را در هیچ نقطه‌ای از آسیای مرکزی گسترش دهد.^{۵۱}

در اواخر سال ۱۸۷۵ فعالیت لوماکین در صحرای ترکمان به انتشار این خبر منجر شد که روس‌ها در نظر دارند به مرو قشون بفرستند، روس‌ها مجدداً مجبور شدند که به بریتانیا اطمینان خاطر بدهند که هیچ نظری نسبت به مرو ندارند.

اما این پاسخ باعث تأمین خاطر بریتانیا نشد و در یادداشتی برای روسها نوشتند: این اقدامات ممکن است اعلیحضرت ملکه را مجبور نمایند بر اینکه بر حسب لزوم در

مقابل حرکت روس‌ها هم پیش بیاید. شووالف سفیر روسیه در لندن هدف عملیات لوماکین را تنبیه تعدادی از ترکمانان دانست که از مرو جدا شده و سرکشی کرده‌اند. عملیات لازارف مدتی بعد از لوماکین صورت گرفت که روسها را مجبور نمود به مقامات بریتانیا توضیح دهند که بیش از یکصد و شصت مایل به مرو نزدیک نخواهد شد.^{۵۲}

درحالی که روسها به صورت محسوس حضور خود را در صحرای ترکمان قطعی می‌کردند. تامسون سفیر بریتانیا در تهران در سپتامبر ۱۸۷۸ م به این نتیجه رسید که متوقف ساختن روس‌ها در صحرای ترکمان غیر ممکن شده است بنابراین تصمیم

گرفت از راه دیگری عمل کند. او تلاش نمود مقامات سیاسی ایران را به حمایت از مرو وادار کند پس از آن در ملاقات با وزیر خارجه ایران توصیه کرد که ایران، باید به مرو ادعای حاکمیت کند اما وزیر پاسخ داد بدون در دست داشتن هرات امکان کنترل مرو وجود ندارد.^{۵۳}

مدت کوتاهی پس از آن تامسون دریافت، تلاش او برای وادار کردن ایران به دخالت در مرو فاقد نتیجه خواهد بود. ایران پشتیبانی اجرایی و عملی بریتانیا را در این مسیر طلب می کرد. اما بریتانیا به هیچ وجه حاضر به دخالت مستقیم نبود. آنها که از هر گونه درگیری مستقیم با روسها در این منطقه پرهیز می کردند در پی آن بودند که با هزینه ایران به تأمین منافع خود بپردازند و به طور مداوم تا زمان سقوط قطعی مرو به دست روس دولت ایران را برای اعلام حاکمیت بر مرو تحت فشار قرار می دادند. ایران که دریافته بود انگلیسی ها مرد میدان روسیه نیستند، کمکی به تأمین نظرات آنها ننمودند. به همین دلیل در همان زمانی که تامسون دریافت قادر به فشار بیشتر به ایران نیست به دولت خود اطلاع داد که به هیچ وجه به صلاح ما نیست که دولت ایران را به کنترل مرو ترغیب کنیم بلکه به نظر من باید کوشش هایمان را در صورت امکان به برقراری حاکمیت افغانستان بر مرو و قبایل ترکمان ساکن در حاشیه رود مرغاب متمرکز کنیم.^{۵۴}

در آستانه سال ۱۸۸۰ م لحن روسها در مورد مسأله مرو حالت دو گانه ای گرفت. از سال ۱۸۷۴ که اولین بار در مذاکرات بین روس و انگلیس از مرو یاد شده بود روس ها به صورت قطعی از عدم توجه خود به این شهر سخن گفته بودند و در سالهای بعد بر این دیدگاه خود پافشاری کرده بودند اما در سال ۱۸۸۰ م به طور ناگهانی چرخشی در نظرات آنها پدید آمد. در نوشته ای که دکرس به دافرین فرستاد به تنقید گفتار نایب السلطنه هند در مجلس وکلا اعتراض کرده که بیان داشته است روس ها قول داده اند ابداً خیال رفتن به مرو را ندارند. در حالی که ما گفنه بودیم دولت روس خیال رفتن به مرو را ندارد این فقره داخل طرح حالیه روس نیست ولی مقصودم این

نبود که در صورتی هم که اوضاع تغییر کرده و اتفاقات فوق العاده ای روی بدهد، هرگز مقصود دولت روس این نبوده که به واسطه یک عهد صریح تا ابد خود را از رفتن به مرو ممنوع بداند. دافراین از این گفتار روس ها به شدت نگران شدو از دکرس پرسید، آیا این گفته به معنای اخلال در اطمینانهایی که رزرای روس داده اند می باشد. دکرس پاسخ داد به همین قدر اکتفا کنید که عملیات روسها در صحرای ترکمن به هیچ وجه تصرف مرو نیست.^{۵۵}

روس ها که در چندین عملیات ناموفق نتوانستند به گوگ تپه مسلط شوند سرانجام پس از محول کردن فرماندهی به اسکوبلف، دکرس موظف شد به دافراین اطلاع دهد که روس در حال اعزام قشون علیه ترکمانان است و این کار را از روی اجبار پذیرفته است. در عین حال یاد آور شد که ترکمانان مرو با تکه آخال علیه روس متحد شده اند و ممکن است روسها محل مزبور را تخریب کنند ولی دولت روس ابداً خیال ندارد در آنجا قشون مستقر کند. روس هادر حالی که انگلیسها نظاره گر بودند در سال ۱۸۸۱ گوگ تپه را تصرف و ساکنان آن را قتل عام کردند و پس از آن عازم عشق آباد شدند. در همین مرحله بود که روسها تبلیغات وسیعی را برای کم اهمیت جلوه دادن موقعیت مرو آغاز کردند و مهم جلوه دادن مرو را اغراق گویی جاسوسان انگلیسی دانستند. لوبانف سفیر روسیه در لندن در یادداشتی به منامات سیاسی بریتانیا نوشت، به اعتقاد ما درباره مرو اغراق گویی شده است.^{۵۶}

اما واقعیت این است که مرو از لحاظ موقعیت نظامی جایگاه فوق العاده ای داشت. ادونوان که خود در همین زمان از مرو دیدن می کرد درباره این شهر می نویسد، هر کس فاتح مرو شود درهای سعادت به روی او باز خواهد شد شهری چون مرو وجود ندارد.^{۵۷}

کرزن نیز که خود از مرو دیدن کرده است درباره جایگاه این شهر می نویسد، اهمیت استراتژیک و فوق العاده مهم مرو در ارتباط با مسایل هند به گونه ای است که من هرگز قادر به درک و بیان آن نیستم، مرو کلید هران و هرات کلید قندهار و قندهار

کلید هند است.^{۵۸} روسها در تلاش بودند تا با بریتانیا به توافق برسد و در نتیجه با این کشور به توافق برسد و در نتیجه با این کشور به توافق برسد و در نتیجه با این کشور به توافق برسد.

با این وصف هر دو طرف اطمینان مرو را به خوبی درک می کردند و برای حفظ آن به گونه ای تلاش داشتند. روسها که اکنون در عشق آباد متمرکز شده بودند فعالیت خود را برای وادار کردن اهالی مرو به تسلیم آغاز کردند و با این فعالیت تعدادی از بزرگان مرو در عشق آباد با فرمانده روس دیدار کردند خبر این دیدار به بریتانیا رسید و باعث شد تا در دسامبر ۱۸۸۱ گرانویل به تامسون در تهران تگراف بزند که گزارش هایی در روزنامه های اینجا دیده شده است که ترکمنان مرو تسلیم روسها شده اند. آیا هیچ گونه اطلاعاتی در این ارتباط به شما رسیده است تامسون پاسخ داد که خبر، اما اضافه نمود ارتباطاتی اخیراً بین ترکمنان و روسها برقرار شده که آنها را به تسلیم وا دارند.^{۵۹}

در همین زمان که انگلیسی ها نگران موقعیت مرو بودند روس ها با ایران در حال تنظیم قرار داد آخال و مشخص نمودن مرزهای شمالی خراسان بودند. حکومت هندوستان از فرصت پیش آمده استفاده کرد و به لندن فشار آورد که موقعیت مناسبی برای مذاکره درباره مرزهای افغانستان است و اگر روسیه سرخس و مرو را تصرف کند دیگر فرصتی برای مذاکره باقی نخواهد ماند.^{۶۰}

اما روس ها اجازه ندادند که نماینده انگلیس در مذاکرات مرزی شرکت کند به همین

دلیل تامسون چاره ای نداشت جز اینکه به میرزا سعید خان موتمن الملک وزیر خارجه ایران اصرار کند که وی نسبت به حاکمیت ایران بر آخال و مرو پا فشاری کند اما وزیر خارجه اعتنایی به این مورد ننمود.^{۶۱}

لوبانف سفیر روسیه در بریتانیا به گرانویل در برابر خواسته های انگلیس اعلام کرد که ایران از عهده تکه ها برنیامده بود و در مرو نیز قادر به ضبط آن نخواهد بود.^{۶۲}

در سال ۱۸۸۲ یک بار دیگر گرانویل با لوبانف سفیر روسیه به مذاکره پرداخت وی با اشاره به اضطراب موجود در میان مردم انگلیس پیشنهاد نمود تا زمینه ایجاد نقشه ای دقیق برای تعیین مرزهای افغانستان فراهم کند. او مجدداً به پیمان کلارندون

گورچاکف ارجاع داد تا آن را مبنای مذاکرات قرار دهند. لوبانف در پاسخ اعلام نمود که روسیه هم چنان به پیمان ۱۸۷۲ وفادار است.^{۶۳}

سال ۱۸۸۳ م در حالی که فعالیت های علیخانوف برای سقوط مرو دنبال می شد انگلیسی ها هم چنان تلاش داشتند از طریق یادداشتهای خود روس ها را از پیشروی بیشتر باز دارند. اما در اوایل سال ۱۸۸۴ م تعدادی از نمایندگان مرو در عشق آباد با روس ها ملاقات کردند و آمادگی خود را برای الحاق به روس اعلام داشتند.^{۶۴}

نیکلای گیرس وزیر خارجه روسیه خبر سقوط مرو را با بی اعتنایی در ۱۵ فوریه به سفیر بریتانیا اطلاع داده برای انگلیسی ها به طور دردناکی روشن شد که روس ها با وجود تضمین های مکرر در تمام مدت به آنان نیرنگ زده اند.^{۶۵}

گرانویل به سرعت نسبت به این اقدام روس ها اعتراض نمود و به آنها یاد آور شد که پیش از این روس ها تأکید کرده بودند تا پیش آمدن یک وضعیت خاص آنها هرگز به طرف مرو پیش نخواهند رفت. اما بر ما مشخص نیست چه تغییر ویژه ای پدید آمده است که روس ها به این پیشروی دست زده اند و چرا بریتانیا را از اقدام خود مطلع نکرده اند.^{۶۶}

در پاسخ به این نوشته گیرس به گرانویل یاد آور شد که دولت روس خود نیز از تصمیم ساکنان مرو اطلاع نداشته است دولت از پیش در این زمینه برنامه خاصی را طراحی نکرده بود. سپس در ادامه مکتوب می نویسد منظور دولت روس از قبول اطاعت ترکمانان انتظام حکومت آنها بوده است و این هم به خاطر شرایط زمانی پدید آمده است، در عین حال دولت روس نمی توانست عریضه ترکمانان مرو را قبول نکند زیرا در غیر این صورت امنیت ممالک همجوار در خطر بود روس در این کار خود ابداً خیال دشمنی با بریتانیا را نداشته است.^{۶۷}

گرانویل در پاسخ گیرس سفیر روس نوشت مدعی این نیستم که این خبر در خاطر ما تولید اثری نکرد اما ما اطمینان خاطرهای امپراتور را در خصوص مرو فراموش

نکرده ایم. در پاسخ سفیر روس به غارتگری ترکمانان و تلاش روسها برای تأدیب آنها اشاره کرده و معتقد است نگهداری آنجا مبالغه زیادی برای روس هزینه برداشته است و این هزینه را به منظور رفاه ممالک همجوار پذیرفته است.^{۶۸}

اعتراضات مقامات بریتانیا فاقد نتیجه بود. روسها آنها را در مقابل یک عمل انجام شده قرار دادند و اقدامات دیپلماتیک بریتانیا به همان مقدار توجیحات روس را به دنبال داشت و به قول کرزن پس از سقوط مروشعله های اعتراض در انگلستان زبانه کشید اما بعد از یک شورش آنها بر طبق معمول خاموش شد.^{۶۹}

به این ترتیب واحه مرو که زمانی یکی از چهار رکن اصلی خراسان بزرگ محسوب می شد و در برهه ای از زمان مرکز قلمرو ایران به حساب می آمد در دوره قاجار با بی لیاقتی وعدم درایت والیان و حکام خراسان از ایران جدا شد. با این حال وابستگی های ساکنان مرو به ایران همچنان باقی بود به گونه ای که در دوران تهاجم روسها به صحرای ترکمن و سپس پیشروی به طرف مرو چندین نوبت بزرگان این شهر از دربار ناصرالدین شاه تقاضای حمایت کردند ولی ضعف سیاسی و نظامی ایران در مقابل روسها مانع از آن شد تا ایران بتواند از جدایی این بخش از قلمرو تاریخی خود ممانعت کند و به ناچار سقوط مرو را به سکوت برگزار کرد.

پس از سقوط مرو روسها در نظر داشتند هم چنان به سوی جنوب پیشروی کنند اما در سالهای کوتاه پس از آن به دنبال چندین برخورد مرزی که در ناحیه پنجاه افغانستان رخ داد، سیاستمداران دو کشور مذاکرات مربوط به تثبیت مرزها را دنبال نمودند تا اینکه در اواخر سال ۱۸۸۶ م پروتکل نهایی درباره تعیین مرز بین هریرود و جیحون بین روسها و انگلیسیها به امضاء رسید.^{۷۰}

نتیجه

شهر مرو با سابقه ای کهن در شمال شرقی خراسان بزرگ در گذر تاریخی،

تحولات زیادی را پذیرا بوده است. این جایگاه تاریخی مبتنی بر شرایط حاکم بر تاریخ ایران دچار فراز و فرود سیاسی بوده است. در کنار اهمیت سیاسی شهر که نقش محوری در ارتباطات سیاسی ایران و ماوراءالنهر ایفا می نمود. در بیشتر مواقع به عنوان یک گذرگاه مهم تجاری در مسیر جاده ابریشم مورد استفاده قرار می گرفت. در سال های منتهی به عصر صفویه از یک ها که بر ماوراءالنهر تسلط یافته بودند تلاش فراگیری برای تصرف این شهر صورت دادند اما عکس العمل صفویان آن ها را ناکام گذاشت. ضعف و فتور حاکمیت سیاسی ایران عصر قاجار و بی توجهی حکام خراسان به مسائل مرو و مقدمات زوال حاکمیت ایران در این منطقه را در پی داشت به گونه ای که اقدام نظامی دوره ناصرالدین شاه برای برقراری حاکمیت ایران بر مرو به دلیل فقدان انضباط نظامی با ناکامی رو به رو شد و ترکمانان ساکن شهر را در اقدامات خود سرانه خود ترغیب نمود. در پی پیشروی مرحله ای روس ها در آسیای مرکزی ساکنان مرو که فاقد هر گونه پیوند سازمانی با سایر بخش های منطقه بودند احساس خطر کردند. تلاش دیر هنگام آن ها برای جلب نظر همسایگان بی نتیجه ماند. ناصرالدین شاه هم که علاقه چندانی به در افتادن با ماشین جنگی روس ها نداشت پاسخ مساعدی به خواسته های ساکنان مرو نداد و ترجیح داد در حاشیه و از دور نظاره گر سقوط این شهر تاریخی ایران به دامن روس باشد و شهر مرو در نهایت با بی درایتی قاجار و بی کفایتی حاکم خراسان از پیکره ایران جدا شد بدون آن که دربار ایران نسبت به جدایی آن عکس العملی جدی از خود بروز دهد.

پی نوشت ها و ارجاعات :

- ۱- ابن حوقل، محمد؛ صوره الارض، ترجمه جعفر شعار، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۶. ص ۱۶۹.
- ۲- حدود العالم من المشرق الى المغرب، به کوشش منوچهر ستوده، تهران، طهوری، ۱۳۶۲، ص ۵۸.
- ۳- ابن حوقل، همان. ص ۱۷۰.
- ۴- ستارزاده، ملیحه؛ سلجوقیان، تهران، سمت، ۱۳۸۶، چ سوم، ص ۱۰۳.
- ۵- بارتولد، ولادیمیر؛ ترکستان نامه، جلد ۲، ترجمه کریم کشاورز، تهران، آگاه، ۱۳۶۶، چ دوم، ص ۹۲۷.
- ۶- حافظ ابرو، زبده التواریخ، ۲ جلد، تصحیح سید کمال حاج سید جوادی، نشرنی، ۱۳۷۲، ص ۲-۶۱.
- ۷- نویدی شیرازی، خواجه زین العابدین علی (عبدی بیگ)؛ تکمله الاخبار، تصحیح عبدالحسین نوایی، تهران، نشرنی، ۱۳۶۹، ص ۴۹-۵۰.
- ۸- تذکره الملوک، به کوشش سید محمد دبیرسیاقی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۸، چ دوم، ص ۴-۵.
- ۹- مروی، محمد کاظم؛ عالم آرای نادری، تصحیح محمد امین ریاحی، ج ۱، تهران، علمی، ۱۳۷۴، چ سوم، ص ۶.
- ۱۰- همان، ج ۲، ص ۷۳۱.

11. BURNES, ALEX: Travels in To Bokhara, Vol, London.

1834. P۳۱.

۱۲- سبهر، محمدتقی خان (لسان الملک)؛ ناسخ التواریخ، ج ۱، به کوشش جمشید

کیانفر، تهران، اساطیر، ۱۳۷۷، ص ۸۲.

۱۳- هدایت، رضاقلی خان؛ روضه الصفای ناصری، تصحیح جمشید کیانفر، تهران،

اساطیر، ۱۳۸۰، ص ۷۷۰۰.

- ۱۴- عباسقلی خان؛ سفرنامه بخارا، به اهتمام حسین زمانی، تهران، پژوهشکده علوم انسانی، ۱۳۷۳، ص ۳۹.
- ۱۵- روزنامه وقایع اتفاقیه، شماره ۱۴۱، نهم محرم ۱۲۷۰، ص ۸۸۲.
- ۱۶- اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان؛ تاریخ منتظم ناصری، ج ۳، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۵، ص ۱۷۴۵.
- ۱۷- هدایت، همان کتاب، ص ۸۱۱۴.
- ۱۸- سپهر، همان کتاب، ج ۴، ص ۱۲۵۴.
- ۱۹- اسناد وزارت امور خارجه، کارتن ۲، پرونده شماره ۸.
20. Allowrth, Edward, Central Asia, New York, 1969, P148.
- ۲۱- سارای، محمد، ترکمن ها در عصر امپریالیسم، ترجمه قدیر ویردی رجایی، ناشر مترجم، ۱۳۷۸، ص ۲۸۴.
- ۲۲- اسکراین، فرانسیس هنری، تاریخ آسیای وسطی (خطی) کتابخانه عمومی اصفهان، شماره ثبت ۱۳۹۲ ص ۱۱۷.
- ۲۳- سارای، همان، ص ۲۸۵.
- ۲۴- مراسلات آسیای مرکزی، به کوشش محمد حسن کاووسی عراقی، تهران، مرکز مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، ۱۳۷۳، ص ۵۹.
25. Krausse, Alexis, Russia in Asia, London, 1973, P103.
26. Ibid, P ۱۰۴.
27. Curzon, N. George, Russia in central Asia in 1889, London 1889, P 108.
- ۲۸- مراسلات آسیای مرکزی، ص ۳۳.
29. Curzon, Ibid, P112.
30. Allworth, Ibid, P 148.
- ۳۱- مخبرالسلطنه هدایت، گزارش ایران به کوشش محمد علی صدقی، تهران، نشر نقره، ۱۳۶۲، ص ۹۰.

32. Land Sell, Henry, Russian in central Asia, London, 1885, P614.
33. Becker, Ibid, P102.
- ۳۴- مراسلات آسیای مرکزی، ص ۴۷.
35. Odonovan, the country of Turkomans, London, 1977. P200.
36. Allworth, Ibid, p147.
- ۳۷- حکومت سایه ها (مکاتبات محرمانه و سیاسی میرزا حسین خان سپهسالار) به کوشش محمد رضا عباسی، تهران، سازمان اسناد ملی ایران، ۱۳۷۲، صص ۷-۲۴۶.
38. FERRIR, J, P, Caravan Journeys and wanderings in Persia, Afghanistan, Turkistan, London, 1976. P91.
- ۳۹- محمد علی مهندس: گزارش مرو و ترکمان (خطی) کتابخانه ملک، شماره ۳۷۸۴ ص ۱۰.
- ۴۰- کاظم زاده، فیروز؛ روس و انگلیس در ایران ۱۸۶۴-۱۹۱۴ م، ترجمه منوچهر امیری، تهران، انتشارات آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۷۱، ج دوم، ص ۸۴.
- ۴۱- سارای، همان کتاب، ص ۲۸۳.
- ۴۲- اسناد وزارت امور خارجه، کارتن، ۵، سند شماره ۲۴۰.
- ۴۳- کاظم زاده، همان، ص ۷۹. نگاه بلامرئی و مقامات ترکمنی ج ۳، ج ۳، ص ۱۱۱.
44. Becker, Seymour, Russia, Protectorates in central Asia, Harvard University Press, 1968, P98.
- ۴۴- محمد سارای، همان ص ۲۸۹.
- ۴۶- پیشین، ص ۲۸۰.
- ۴۷- کاتب هزاره، ملافیض محمد، سراج التواریخ، ج ۳، تهران، موسسه انتشارات بلخ، ۱۳۵۸، ص ۱۹.
48. Landsell, P 613.
49. Ibid, P۱۱۳.
- ۲۰ ص

- ۵۱- همانجا. ۲۴- همان ص ۲۴. علمی و فرهنگی، چ دوم، ۱۳۶۳. ۲۶۱۱۱. تبیه و تاملات در لغت‌ها
- ۵۲- همان ص ۲۴. علمی و فرهنگی، چ دوم، ۱۳۶۳. ۲۶۱۱۱. تبیه و تاملات در لغت‌ها
- ۵۳- سارای، ص ۱۷۲. علمی و فرهنگی، چ دوم، ۱۳۶۳. ۲۶۱۱۱. تبیه و تاملات در لغت‌ها
- ۵۴- همان، ص ۱۷۴. انتشارات مؤسسه انقلاب اسلامی، چ دوم، ۱۳۶۳. ۲۶۱۱۱. تبیه و تاملات در لغت‌ها
- ۵۵- مراسلات آسیای مرکزی، ص ۲۷. علمی و فرهنگی، چ دوم، ۱۳۶۳. ۲۶۱۱۱. تبیه و تاملات در لغت‌ها
- ۵۶- همان، ص ۲۹. علمی و فرهنگی، چ دوم، ۱۳۶۳. ۲۶۱۱۱. تبیه و تاملات در لغت‌ها
57. Odonovan, Ibid, P196.
58. Curzon, Ibid, P120.
59. Landsell, Ibid, P۱۱۴.
- ۶۰- کاظم زاده همان ص ۷۴. علمی و فرهنگی، چ دوم، ۱۳۶۳. ۲۶۱۱۱. تبیه و تاملات در لغت‌ها
- ۶۱- سارای، همان ص ۲۹۰. علمی و فرهنگی، چ دوم، ۱۳۶۳. ۲۶۱۱۱. تبیه و تاملات در لغت‌ها
- ۶۲- کاظم زاده همان، ص ۷۵. علمی و فرهنگی، چ دوم، ۱۳۶۳. ۲۶۱۱۱. تبیه و تاملات در لغت‌ها
63. Landsell, Ibid, P615
64. Allworth, Ibid, P 144.
- ۶۵- هاپکرک، پیتر، بازی بزرگ، ترجمه رضا کامشاد، تهران، نیلوفر، ۱۳۷۹، ص ۴۵۰.
- ۶۶- اسناد وزارت خارجه، کارتن ۵، سند شماره ۴۲. ۸۷۶۱. تبیه و تاملات در لغت‌ها
- ۶۷- مراسلات آسیای مرکزی، ص ۱۴. علمی و فرهنگی، چ دوم، ۱۳۶۳. ۲۶۱۱۱. تبیه و تاملات در لغت‌ها
68. Landsell, Ibid, P۱۱۶.
69. Curzon, Ibid, P 112.
- ۷۰- کارلو ترنزیو، پیو، رقابت های روس و انگلیس در ایران و افغانستان، ترجمه عباس آذرین، تهران، علمی و فرهنگی، چ دوم، ۱۳۶۳، ص ۱۰۵. علمی و فرهنگی، چ دوم، ۱۳۶۳. ۲۶۱۱۱. تبیه و تاملات در لغت‌ها
- ۷۱- ابن حوقل، محمد؛ صورة الارض، ترجمه جعفر شعار، تهران امیرکبیر، ۱۳۶۶. ۱۸۳۶۶. تبیه و تاملات در لغت‌ها

- ۲- اسکرابین، فرانسیس هنری، تاریخ آسیای وسطی (خطی)، کتابخانه عمومی اصفهان، شماره ثبت ۱۱۳۹۲.
- ۳- اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان؛ تاریخ منتظم ناصری، ج ۳، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۵.
- ۴- اسناد وزارت امور خارجه، کارتن ۲ و ۵.
- ۵- بار تولد، ولادیمیر، ترکستان نامه، جلد ۲، ترجمه کریم کشاورز، تهران، انتشارات آگاه، ج دوم، ۱۳۶۶.
- ۶- حافظ ایرو، زبده التواریخ، ۲ جلد، تصحیح سید کمال حاج سید جوادی، نشرنی، ۱۳۷۲.
- ۷- حدود العالم من المشرق الی المغرب، به کوشش منوچهر ستوده، تهران، طهوری، ۱۳۶۲.
- ۸- حکومت سایه ها (مکاتبات محرمانه و سیاسی میرزا حسین خان سپهسالار)، به کوشش محمد رضا عباسی، تهران، سازمان اسناد ملی ایران، ۱۳۷۲.
- ۹- روزنامه وقایع اتفاقیه، شماره ۱۴۱، نهم محرم ۱۲۷۰.
- ۱۰- سارای، محمد، ترکمن ها در عصر امپریالیسم، ترجمه فدیر ویردی رجایی، ناشر مترجم، ۱۳۷۸.
- ۱۱- سپهر، محمدتقی خان (لسان الملک)؛ ناسخ التواریخ، ج ۱، به کوشش جمشید کیانفر، تهران، اساطیر، ۱۳۷۷.
- ۱۲- ستارزده، ملیحه؛ سلجوقیان، تهران، سمت، ۱۳۸۶، ج سوم.
- ۱۳- عباسقی خان؛ سفرنامه بخارا، به اهتمام حسین زمانی، تهران، پژوهشکده علوم انسانی، ۱۳۷۳.
- ۱۴- ستارزده، ملیحه؛ سراج التواریخ، ج ۳، تهران، مؤسسه انتشارات

- ۱۵- کارلو ترنزیو، پیو، رقابت های روس و انگلیس در ایران و افغانستان، ترجمه عباس آذرین، تهران، علمی و فرهنگی، ج دوم، ۱۳۶۳.
- ۱۶- کاظم زاده، فیروز؛ روس و انگلیس در ایران ۱۸۶۴-۱۹۱۴ م، ترجمه منوچهر امیری، تهران، انتشارات آموزش انقلاب اسلامی، ج دوم، ۱۳۷۱.
- ۱۷- محمد علی مهندس، گزارش مرو و ترکمان (خطی)، کتابخانه ملک، شماره ۳۷۸۴.
- ۱۸- مخبر السلطنه هدایت؛ گزارش ایران، به کوشش محمد علی صدقی، تهران، نشر نقره، ۱۳۶۲.
- ۱۹- مراسلات آسیای مرکزی، به کوشش محمد حسن کاووسی عراقی، تهران، مرکز مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، ۱۳۷۳.
- ۲۰- مروی، محمد کاظم، عالم آرای نادری، تصحیح محمد امین ریاحی، تهران، علم، ۱۳۷۴.
- ۲۱- میرزا سمیعا، تذکره الملوک، به کوشش سید محمد دیرسیاکی، تهران، امیرکبیر، ج دوم، ۱۳۶۸.
- ۲۲- نویدی شیرازی، خواجه زین العابدین علی (عبدی بیگ)؛ تکمله الاخبار، تصحیح عبدالحسین نوایی، تهران، نشر نی، ۱۳۶۹.
- ۲۳- هاپکرک پیتر، بازی بزرگ، ترجمه رضا کامشاد، تهران، نیلوفر، ۱۳۷۹.
- ۲۴- هدایت، رضاقلی خان؛ روضه الصفای ناصری، تصحیح جمشید کیانفر، تهران، اساطیر، ۱۳۸۰.

۲۵- All worth, Edward, **central Asia**, Newyork, 1969.

۲۶- Becker, Seymour, **Russia, Prote ctorates in central Asia**, Harvard University Press, 1968.

۲۷- BURNES, Alex: **Travels in To Bokhara**, Vol 1, London, 1834.

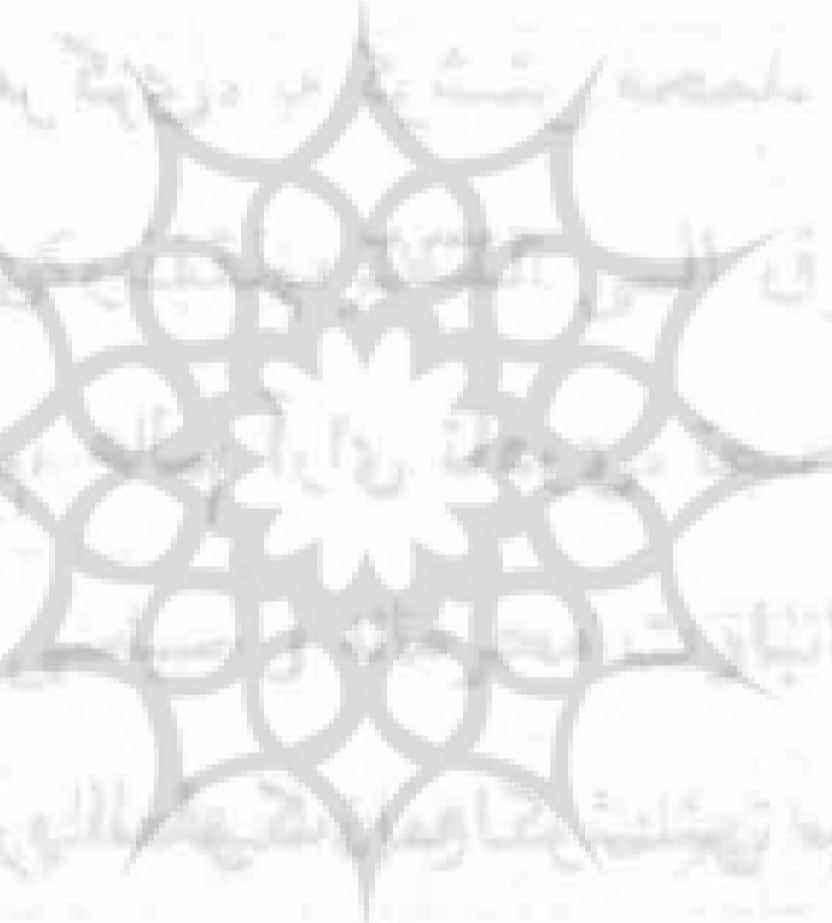
۲۸- CURZON. N. George., **Russia in central Asia in 1889**, London, 1834.

۲۹- FERRIER, J.P: **caravan Journeys and wanderings in Persia, Afghanistan, London, 1976.**

۳۰- Landsell, Henry, **Russia in centrall Asia**, London, 1885.

۳۱- Krausse, Alexis, **Russia in Asia**, London, 1973.

۳۲- Odonovan, **the country of Turkomans**, London, 1977.



۶- حافظ ابرو، زبدة التواریخ، ۱ جلد، تصحیح سید کمال حاج آقا میرزا محمد تقی، تهران، ۱۳۹۲. ۲۳۶ ص. ۷۴
۷- حدود العالم من المشرق الى المغرب، تأليف ابن بطوطه، ترجمة محمد باقر خوارزمي، تهران، ۱۳۹۲. ۲۳۶ ص. ۷۴
۸- حکومت شاهان صفوی (مکاتبات و اسناد)، جلد اول، تهران، ۱۳۹۲. ۲۳۶ ص. ۷۴
۹- روزنامه و تاریخ اتفاقیه پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۹۲، ۷۹، ۳۰
۱۰- بحران علم و اندیشه در ایران معاصر، تهران، ۱۳۷۸. ۲۳۶ ص. ۷۴
۱۱- بحران علم و اندیشه در ایران معاصر، تهران، ۱۳۷۸. ۲۳۶ ص. ۷۴
۱۲- بحران علم و اندیشه در ایران معاصر، تهران، ۱۳۷۸. ۲۳۶ ص. ۷۴
۱۳- بحران علم و اندیشه در ایران معاصر، تهران، ۱۳۷۸. ۲۳۶ ص. ۷۴
۱۴- بحران علم و اندیشه در ایران معاصر، تهران، ۱۳۷۸. ۲۳۶ ص. ۷۴
۱۵- All worth Edward, **central Asia**, New York, 1909.
۱۶- Becker, Seymour, **Russia, Prote ctories in central Asia**, Harvard University Press, 1908.
۱۷- BURNES, Alex: **Travels in to Bokhara**, Vol I, London, 1834.